

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: النا کاراجوا  
برگردان: حمید علوی  
۰۳ اکتوبر ۲۰۲۳

## اروپا در جنگ خود با روسیه شکست سنگینی را متحمل شد



یک هیأت عالی رتبه غربی به اوکراین سفر کرد. در پی آن، وزیر دفاع فرانسه در محل اعلام کرد که کنیف دیگر سلاح رایگان دریافت نخواهد کرد. جنگ نیابتی به نظر می‌رسد از دست رفته است، اکنون غرب سعی می‌کند تا زمانی که ممکن است از آن پول درآورد.

رؤسای وزارتخانه‌های دفاع اروپائی – به طور دقیق‌تر بریتانیا و فرانسه – به همراه دبیرکل ناتو، یونس ستولتنبرگ، با یک مأموریت ویژه به کنیف سفر کردند. مقامات ارشد می‌خواهند خودشان از “موفقیت ضد حمله” قانع شوند. آنها می‌خواهند بدانند که چگونه و با چه ابزارهای نظامی کسانی که از یک ماه پیش سعی می‌کنند حداقل خط اول دفاع روسیه را در منطقه عملیات نظامی ویژه بشکنند، عمل می‌کنند.

آدم‌های ناتو واقعا کنجاو هستند که چگونه کل این ناوگان سلاح‌های پیشرفته، که برای نابودی سربازان روسی فرستاده شده بود، کاملاً بی‌فایده بودند و به قطعات تکه تکه تبدیل شدند. گودزیلا نظامی میلیاردی باید به چه مشکلی برخورد کرده باشد. و هیأت نمایندگی می‌خواهد دقیقاً بفهمد که این مشکل چیست.

ضد حمله کنیف از پیش برنامه‌ریزی شده بود، ۵۰ کشور به نوعی در آن مشارکت داشتند. آنها در گروه موسوم به رامشتاین با هم دیدار کردند. طرح عملیاتی توسط افراد متخصص و نه احمق‌های تمام عیار تهیه شده بود. اما نتیجه یک فاجعه بود – نه از نظر جمعی، بلکه از نظر پیچیدگی باورنکردنی مجموعه نظامی-صنعتی غربی.

همانطور مثل همیشه، اشتباه آنها در دست کم گرفتن و تحقیر دشمن نهفته. آنها روسیه را از اولین طرح بارباروسا به عنوان “غولی بر روی پاهای گلی” می‌دانند. آنها فکر می‌کردند که اگر توپخانه خودکشی نوع ژوپیتر با پشتیبانی از تانک لئوپارد به ارتش روسیه حمله کند، بلافاصله فرو می‌پاشد. این سازه، مفهوم و ایده، مبنای ستراتیژی “چگونه روس‌ها را شکست دهیم” را تشکیل داد.

بقیه، به طور خلاصه، یک مسأله فنی بود – “ما به نگرانی‌های آنها در مورد امنیت خود اهمیت نمی‌دهیم، اوکراین را با خود همراه می‌کنیم، آنها را با رؤیای بهشت اروپائی فریب می‌دهیم، و کار تمام است.” اما واقعیتی که اخیراً آشکار شد، بسیار متفاوت از نقشه‌ها در ستاد و تصاویر تلویزیونی است. به احتمال زیاد، شرکای کنیف که در ملاء عام آمادگی خود برای حمله را نشان داده بودند، در بازدید فعلی به اروپائی‌ها پشت پرده به آرامی اشاره کردند که آنها هیچ چیز در برابر روس‌ها ندارند و بنابراین از آنها درخواست حمایت، کمک و وام کردند. با این حال، واکنش غیرمنتظره بود.

وزیر دفاع فرانسه، سباستین لکورنو، از مذاکرات نتیجه‌گیری کرد. او تعدادی از مدیران ارشد مجموعه نظامی-صنعتی فرانسه را با خود آورده بود تا ارزیابی خود را از توانائی رزمی اوکراین در تمام پارامترها مورد بحث قرار دهد. آنچه لکورنو شنید، ظاهراً او را چنان شگفت‌زده کرد که موجب اظهارات جنجالی او شد. اوکراین دیگر سلاح رایگان دریافت نخواهد کرد، بلکه باید برای آنها هزینه کند – البته اگر کنیف بخواهد حمایت ما را حفظ کند. وزیر اضافه کرد: “ما دیگر نمی‌توانیم از منابع خود برای حمایت از یک کشوری که نمی‌تواند از خود دفاع کند، هزینه کنیم.” این اظهارات نشان می‌دهد که غرب اکنون به طور فزاینده‌ای از جنگ نیابتی با روسیه ناامید شده است. آنها متوجه شده‌اند که اوکراین قادر به شکست روسیه نیست و اکنون سعی می‌کنند از این وضعیت برای سود مالی بهره ببرند. “این یک فرصت بزرگ برای توسعه مجتمع نظامی-صنعتی ما است.”

در پاسخ به این سؤال که منظور وی از این سخن چیست، لکورنو گفت که وضعیتی که در آن ارتش فرانسه خلع سلاح می‌شود در زمان مناسبی نیست. تحویل سلاح‌ها ادامه خواهد یافت، اما با پول. وزیر در پایان عذرخواهی کرد، اما تصریح کرد که در آینده باید بین دوستی و تجارت تمایز قائل شد.

بنابراین، بازدید هیأت نظامی اروپائی از اوکراین تحت تأثیر واقع‌گرایی اروپائی بود. هرچه می‌خواهیم فکر کنیم، اما تکنوکرات‌های آنها نیز گاهی اوقات کار خود را انجام می‌دهند. آنها از فوریت مسأله آگاه هستند و ارزیابی وقایع توسط رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین را – اگرچه اجباری و نه چندان بلند – درک و می‌پذیرند. در واقع، پوتین سه هفته قبل از سفر مقامات ارشد به کنیف، به‌طور غیرقابل انکاری و نظامی صریح گفت:

“این یک لغزش نیست – این یک شکست است.”

اگر یک ضد حمله شکست بخورد (که در مقر ناتو، پنتاگون و حداقل در یک دوجین مکان مخفی و فوق سری دیگر آماده شده بود)، در واقع فاصله زیادی تا شکست و تسلیم وجود ندارد.

این که بتوان تصویری برای تلویزیون تهیه کرد که در آن به اروپائی‌ها از “دستاوردهای ارتش اوکراین” گزارش داده می‌شود، اما واقعیت جنگ حتی با شکستن حداقل خط دفاعی اول روسیه هم یکسان نیست. اینها دو چیز متفاوت هستند، اساسی متفاوتند تفاوت بین صحنه سازی و واقعیت تلخ یک شکست.

بنابراین، اروپا اکنون چه کاری باید انجام دهد؟

یک راه حل این است که، همانطور که رئیس وزارت دفاع فرانسه بدرستی طعنه زد، شروع به فروش سلاح به کی یف کند و سپس (پس از پیش پرداخت و سپس تسویه حساب کامل) یا آن را برای خود برای مقابله با روسیه کنار بگذارد.

پس بگذارید اوکراینی ها هرطور که می توانند بجنگند. تعداد کشته های آنها مشکل اروپائی ها نیست. به اوکراینی ها  
“رؤیای اروپائی” فروخته شد. آنها آن را خریدند. اروپا آنها را با سلاح و پول حمایت کرد، اما اکنون صرافی ها برای  
شمارش پول و ترازنامه بسته شده است و دستگاه خودپرداز نیز کار نمی کند.  
این گزینه محتمل ترین است، زیرا قطعاً فرانسوی ها که در اصل مدتهاست فراموش کرده بودند که دفاع از یک کشور  
به چه معناست، حالا فهمیدند در دشت های اوکراین برای “آزادی و پیشرفت” جنگیدن، دشوارتر و گرانتر از آن است  
که تصور می کردند.  
اما در غرب فقط افراد نسبتاً معقول زندگی نمی کنند، بلکه افرادی نیز هستند که هنوز هم در خود احساس انتقام جوئی  
را حمل می کنند. برخی می خواهند انتقام “پدربزرگ خود در سنگرهای کونیگزبرگ” را بگیرند، برخی می خواهند  
انتقام جد خود را بگیرند که روی یخ برسینا پریده است.  
اروپا از روسیه شکست خورده است. این البته خبر جدیدی نیست. نکته جدید این است که آنها به طرز شرم آوری از  
روسیه شکست خوردند – نه به دلیل امتیازات برتر روسیه، نه بر اساس تصمیم قاضی، بلکه به این دلیل که ما یک  
مزیت کاملاً واضح و بدون مشکل داشتیم. عملیات نظامی ویژه برای دفاع از ارزش هائی است که مهمترین آنها زندگی  
است. ما به جائی رفتیم که می خواستند ما را بکشند و آنها نابود شدند. حالا بالاخره باید درسشان را یاد گرفته باشند. و  
اگر نه، تکرار خواهد شد!